

101268 - کاری که شیعه‌ها در عاشورا انجام می‌دهند بدعت و گمراهی است

سوال

من در دویی زندگی می‌کنم و اینجا شیعه‌های بسیاری زندگی می‌کنند و همیشه ادعا می‌کنند کارهایی که در روزهای نهم و دهم ماه محرم انجام می‌دهند دلیل محبتشان به حسین است و اشکالی در آن نیست چنانکه یعقوب علیه السلام می‌فرماید: **يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (۸۴) قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذُكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (۸۵) قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (ای دریغ بر یوسف، و در حالی که اندوه خود را فرو می‌خورد چشمانش از اندوه سپید شد (۸۴) [پسرانش] گفتند: به الله سوگند آنقدر یوسف را یاد می‌کنی تا بیمار شوی یا هلاک گردی (۸۵) گفت من شکایت غم و اندوه خود را پیش الله می‌برم و از الله چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید).** خواهشمندم درباره این که آیا زدن بر سینه جایز است یا خیر به من توضیح دهید.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

کارهایی که شیعه‌ها در روز عاشورا انجام می‌دهند از جمله زدن بر سینه و صورت و زنجیر زنی و شکافتن سر با شمشیر و خونریزی کارهایی است نوساخته که در اسلام اصل و اساسی ندارد چرا که چنین کارهای منکری را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از آن نهی نموده و برای امتش مشروع نساخته که هیچ‌یک از این کارها یا نزدیک به آن را برای مرگ هیچ انسان بزرگ یا فقید شهیدی انجام دهند، هرچه وی دارای شان و منزلت باشد. در دوران خود پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تعدادی از بزرگان صحابه شهید شدند که ایشان برای از دست دادنشان بسیار غمگین شد؛ کسانی مانند حمزه بن عبدالمطلب و زید بن حارثه و جعفر بن ابی طالب و عبدالله بن رواحه، اما کاری از این چیزهایی که این‌ها انجام می‌دهند انجام ندادند و اگر چنین کاری نیک بود بی‌شک ایشان - صلی الله علیه وسلم - از ما پیشی می‌گرفتند.

یعقوب - علیه السلام - نیز نه بر سینه زدند و نه صورت خراشیدند و نه خونی به راه انداختند و نه روز فقدان یوسف را عید و ماتم قرار دادند بلکه او صرفاً حبیب غایبش را یاد می‌کرد و برایش غم می‌خورد و چنین چیزی را کسی انکار نکرده بلکه منکر چنین کارهایی است که از جاهلیت به ارث برده‌اند و اسلام از آن نهی کرده.

بخاری (۱۲۹۴) و مسلم (۱۰۳) از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم -

فرمودند: **از ما نیست کسی که صورت بخراشد و پیراهن بدرد و سخنان جاهلیت گوید.**

همه این اعمال منکری که شیعه در روز عاشورا انجام می‌دهد اصل و اساسی در اسلام ندارد و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و هیچ‌یک از یارانشان انجامش نداده و کسی از اصحاب برای وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یا کس دیگری دست به چنین کاری نزده است با وجود آنکه مصیبت وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از مصیبت شهادت حسین - رضی الله عنه - سنگین‌تر است.

حافظ ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: «بنابراین شایسته هر مسلمانی است که کشته شدن او - یعنی حسین رضی الله عنه - ناراحتش کند چرا که وی از سروان مسلمان و علمای صحابه و فرزند دختر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است که بهترین دختران او بود و ایشان عابد و شجاع و سخاوتمند بودند اما کاری که شیعه انجام می‌دهد از جمله اظهار جزع و اندوهی که چه بسا بیشترش ساختگی و ریاکاری است کاری نیکو نیست حال آنکه پدر وی از او بهتر بود و وی نیز به شهادت رسید اما آنان روز کشته شدنش را همانند کشته شدن حسین ماتم قرار نمی‌دهند چرا که پدر ایشان روز جمعه در حال بیرون رفتن برای نماز صبح در هفدهم رمضان سال چهارم هجری کشته شد و همینطور عثمان که نزد اهل سنت و جماعت بهتر از علی است حال آنکه ایشان در حالی که در خانه‌اش محصور بود در ایام تشریق ماه ذی الحجه سال ۳۶ هجری به شهادت رسید و گردن او را گوش به گوش بریدند اما مردم روز شهادت او را ماتم قرار ندادند و همینطور درباره عمر بن الخطاب که بهتر از عثمان و علی است و در حالی که در نماز صبح در محراب امامت نماز می‌کرد و قرآن را می‌خواند به شهادت رسید اما مردم روز شهادتش را ماتم نگرفتند و همینطور ابوبکر صدیق که بهتر از عمر بود و مردم روز وفاتش را روز اندوه قرار ندادند و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که سرور فرزندان آدم در دنیا و آخرت است و مانند پیامبران پیش از خود از دنیا رفت و کسی روز وفات ایشان را ماتم و اندوه قرار نداد چنانکه این جاهلان رافضی در سالگرد شهادت حسین انجام می‌دهند... و بهترین چیزی که هنگام به یاد آوردن این مصیبت‌ها و امثالش گفته می‌شود چیزی است که علی بن حسین از جدش رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت کرده که فرمود: **مسلمانی نیست که دچار مصیبتی شود و آن را اگر چه پس از گذر مدتی به یاد آورد و انا لله گوید مگر آنکه الله اجری به او می‌دهد که روز مصیبت به وی داده است** به روایت امام احمد و ابن ماجه.

البدایة والنهائة (۸ / ۲۲۱).

وی همچنین می‌گوید: «رافضیان در حکومت آل بویه در حدود سال چهارصد [هجری] در این باره زیاده‌روی کردند و در بغداد و سرزمین‌های اطراف آن در روز عاشورا طبل‌ها کوبیده می‌شد و در راه‌ها و بازارها خاکستر و گاه پاشیده می‌شد و بر

دکان‌ها پارچه‌های سیاه آویزان می‌کردند و مردم اظهار غم و گریه می‌کردند و بسیاری از آنان در موافقت با حسین آن شب آب نمی‌نوشیدند چرا که وی تشنه به قتل رسید و سپس زنان با چهره آشکار و پای برهنه به سوی بازارها بیرون آمده نوحه می‌خواندند و بر سر و صورت می‌زدند و دیگر بدعت‌های شنیع و هواهای نفسانی ناگوار و کارهای نازیبای اختراعی، حال آنکه آنها می‌خواستند با این کارها دولت بنی‌امیه را زشت کنند چرا که ایشان در دوران حکومت بنی‌امیه به شهادت رسید.

اما از سوی دیگر نواصب اهل شام در روز عاشورا برعکس رافضیان رفتار می‌کردند و در روز عاشورا حبوبات می‌پختند و به حمام می‌رفتند و خود را خوشبو ساخته و زیباترین لباس خود را می‌پوشیدند و آن روز را عید قرار داده و انواع غذاها می‌پختند و اظهار شادی می‌کردند که هدفشان عناد با رافضیان و مخالفت با آنان بود.

اما جشن گرفتن این روز بدعت است همانطور که ماتم گرفتن آن، برای همین است که شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید:

و شیطان به سبب شهادت حسین - رضی الله عنه - دو بدعت را در میان مردم پدید آورد: بدعت غم و نوحه‌خوانی در روز عاشورا از جمله خودزنی و داد و بی‌داد و گریه و مرتبه‌خوانی... و بدعت شادی و سرور... این دسته بدعت غم را در این روز ساختند و آن دسته بدعت شادی در این روز و در نتیجه سرمه کشیدن و به حمام رفتن و هزینه کردن برای خانواده و پختن غذاهای خاص را در روز عاشورا مستحب دانستند... حال آنکه هر بدعتی گمراهی است و هیچ یک از علمای مسلمان - چهار امام و دیگران - نه این بدعت و نه آن بدعت دیگر را مستحب ندانسته‌اند.

منهاج السنة (۴/ ۵۵۴) به اختصار.

به این نیز باید اشاره کنیم که دشمنان دین انجام چنین کارهای زشتی را مورد تشویق قرار می‌دهند تا بتوانند بدین وسیله به اهداف خبیث خود در زشت‌نمایی چهره اسلام و مسلمانان دست یابند. موسی الموسوی در کتابش **شیعه و تصحیح** می‌گوید: «اما چیزی که شکی در آن نیست این است که زدن شمشیر بر سر و شکافتن سر برای عزاداری حسین در روز دهم محرم در دوران استعمار انگلستان از هند وارد ایران و عراق شد. انگلیسی‌ها از جهل و سادگی شیعه‌ها و محبت بی‌قید و بند آنان به امام حسین سوء استفاده کرده و زدن قمه بر سر را یاد آنان دادند و تا دوره‌ای نزدیک سفارت‌های بریتانیا در تهران و بغداد به موکب‌های حسینی که با آن ظاهر زشت در خیابان‌ها و کوچه‌ها ظاهر می‌شدند کمک مالی می‌کردند و هدف از این سیاست استعماری انگلیس در حمایت و گسترش این کار زشت و این سوء استفاده قبیح، ارائه یک توجیه معقول به مردم بریتانیا و روزنامه‌های آزادی بود که مخالف استعمار هند و سرزمین‌های دیگر اسلامی توسط بریتانیا بودند و نمایان ساختن مردم این سرزمین‌ها به شکل عده‌ای وحشی بود که نیازمند قیمی هستند که آنان را از دره‌های جهل و توحش خارج سازد. در

این میان تصاویر موکب‌هایی که در روز عاشورا در خیابان‌ها می‌رفتند و هزاران انسانی که همراه با آن با زنجیر بر پشت خود می‌زدند و خود را با زدن قمه و شمشیر بر سر خونین می‌کنند در روزنامه‌های بریتانیا و اروپا منتشر می‌شد و سران استعمار با بهانه قرار دادن وظیفه انسانی مدعی می‌شدند که این فرهنگ آن مردم است و باید اینها را به جاده مدنیّت و پیشرفت آورد. گفته شده که **یاسین الهاشمی** نخست وزیر عراق در دوران اشغال انگلستان هنگامی که برای مذاکره با انگلیسی‌ها برای پایان قیمومیت آنان به لندن رفت، انگلیسی‌ها به او گفتند: ما برای کمک به ملت عراق در این کشور هستیم تا آنان به خوشبختی برسند و از وحشی‌گری بیرون آیند! این سخن باعث عصبانیت یاسین الهاشمی شد و خشمگین از اتاق مذاکره بیرون آمد اما انگلیسی‌ها محترمانه از وی عذر خواستند و مودبانه از وی خواستند فیلمی مستند را درباره عراق تماشا کند. و آن فیلمی بود درباره مواکب حسینی در خیابان‌های نجف و کربلا و کاظمیه که حاوی تصاویری وحشتناک و تهوع آور از زدن قمه و زنجیر بر سر و پشت بود. در واقع انگلیسی‌ها می‌خواستند به او بگویند: آیا هیچ ملت با فرهنگی که بویی از تمدن برده با خودش چنین کاری می‌کند؟!».

والله اعلم